



شرق دور، فرصت نزدیک

چرا جشنواره فیلم شانگهای برای سینمای ایران مغتنم است؟

تصویری از پشت صحنه فیلم «آزدگان» نامزد دریافت نخل طلای جشنواره شانگهای

یک تلاش فرهنگی طولانی
دیروز به ثمر رسید

**قصه‌گویی ایرانی
در مسیر جهانی شدن**

۳۰۰۰ دقیقه انیمیشن جذاب برای کودکان
با شروع تابستان روانه آنتن می‌شوند

**فصل جدید
پویانمایی‌های دیدنی**

آیا هنر
بی صاحب‌ترین شغل ایران است؟!

**اصناف سیاست‌زده
هنرمندان سرگردان**

عصر ارتباطات چگونه در ایران فرهنگی شکل گرفت؟

روشنایی؛ پیام‌رسان باستانی

منتشر شده است. در برگ‌های پایانی این کتاب آمده در بیابان‌های ایران در امتداد شاهراه‌های قدیمی می‌توان تپه‌هایی دست‌ساز و مصنوعی دید که با فاصله مساوی از هم قرار دارد که نزدیک‌ترین‌شان به تهران تپه‌ای است که در کنار راهی قدیمی قرار دارد که از ری (حدود فیروزآباد) به سوی باختر و از مسیر شمال ورامین به ایوانکی می‌رسد که رشته‌باختری راه قدیم قزوین به ری را تشکیل می‌دهد. این تپه‌ها چنین فرض می‌شود که بقایای برج‌های خبررسانی دوران هخامنشی است.

حیرت یونانیان از نظام ارتباطی ایرانیان

این صراحت و روشنی سخن چنین می‌رساند که برپایه داده‌های پیشینی که به دست ما نرسیده بیان شده چنان که در اسناد و داده‌های یونانیان باستان می‌توان به چنین شواهد و مدارکی دست یافت که مثلاً بی‌بریان در کتاب هخامنشیان چنین گزارش‌های علی سامی، باستان‌شناس و استاد دانشگاه درباره برج‌های باسازگادو کاربردش نوشته. که از غوامض موارد مهم بحث آناز باستانی است. احمد اقتداری در کتاب خوزستان... درباره برج نورآباد نوشته است: من گمان دارم این اثر برای راهنمایی و آتش خیر بوده است. سید محمدتقی مصطفوی در کتاب اقلیم پارس بود که بعداً مورد ستایش و تقلید قرار گرفت... از این رو شیراز آورده؛ در نیست از چنین جایگاهی برای فروش آتش و علامت دادن در دوران قدیم بهره می‌برده‌اند. یوزف ویزهوفر در کتاب ایران باستان به حیرت یونانی‌ها از نظام ارتباطی ایرانیان یاد کرده؛ ایرانیان از طریق علامت دادن با آتش یا «نوره» مجموعه سیستمی را پدید آورده بودند که بسیار حیرت یونانیان و رومیان را برانگیخت. این نظام ارتباطی مجهز، زیرساخت امپراتوری فارس بود که بعدها مورد ستایش و تقلید قرار گرفت... از این رو شگفت نیست که پیام‌های سلطنتی و پادشاه در کمترین زمان می‌توانست انتقال یابد. استاد دانشگاه تولوز، بی‌بریان فرانسوی ۱۹۹۶ در کتابش درباره این برج‌ها نوشته است آتش نظام علامت نوری از منتهی‌الیه سرزمین شاهنشاهی تا شوش و اکباتان بی‌در پی افزوده می‌شد. این سازماندهی چنان کامل و رسا بود که شاه بزرگ از هر چیز تازه‌ای همان روز آگاهی می‌یافت که در آسیای صغیر می‌داد.

دایره‌المعارف/دانشنامه بریتانیکا از برج‌های دیده‌بانی آتش چنین یاد کرده: هزاران سال است بشر در حال تجربه شیوه‌های مخابره پیام بوده و نخستین ابزار چنین کاری همان برج‌های دیده‌بانی آتش آن چنان که واژه تلگراف در زبان لاتین به معنای نوشتن برای فاصله است یا فرستادن خبر به دور، از طریق علامت است. این دانشنامه بر نام دستاورد مخابراتی ایران ۵۰ سال پیش از میلاد تأکید نمی‌کند؟! و مثال ۱۷۷۵ را می‌آورد که ۱۹ آوریل برای خبریورپس انگلیس به فرانسه از نور فانوس استفاده شد به عبارتی ۶۹ سال پیش از ساموئل مورس. برج‌های خبر همانند نقطه وسط یا صفر و یک واقعاً خبررسانی و آگاهی بخشی می‌کرده نه که فقط یک تگ و زنگ و علامت ساده باشد؛ زیرا از روشانی آتش در این برج‌ها با دورنگ سفید و سرخ هر لحظه یک بار همانند چشمک‌های کوتاه و بلند استفاده می‌شده است.



قبور قدیمی‌اند؛ زیر ایرانی‌ها در پیش از میلاد برای ارسال خبر همانند پیام‌رسان از این برج‌ها استفاده می‌کرده‌اند. درباره وجود این سیستم خبررسانی فوری چند هزار کیلومتری در دوران هخامنشی با آن گستردگی مرزها و گوناگونی اتفاقات نظر وجود دارد. بقایای برج‌های آتش خیر در فصل نامه فارس شناخت اثر محمد مهدی مظلوم زاده چنین سخنی دارد: بقایای باستانی و برج‌های سنگی ناشناخته در استان پهناور فارس از دوران هخامنشیان دیده می‌شود که باستان‌شناسان ایرانی و غربی به خاطر ناآگاهی از رمز و کاربردشان به‌ویژه حفره‌های سنگی فراز برج‌ها که جایگاه نصب آتشندان سنگی بوده، بر آنها نام‌های نادرست و غیرواقعی نهاده‌اند؛ همانند آتشکده و آتشیگاه و قربانگاه و پرستشگاه...

این برج‌ها از پاسازگادو تخت جمشید با فاصله نیم تا یک کیلومتر با عبور از کوهساران و در دشت به اکباتان و شوش و مرزهای غربی و دیگر گستره‌های قلمرو ایران می‌رسیده در این برج‌ها آثار دیده‌بانی و استقرار نگهبان‌هایی قابل مشاهده است. باید این برج‌ها را با توجه به دیگر عناصر تاریخی هم‌دوره‌شان بررسی کرد. کتاب «ایران شهنشاه» با تلاش یونسکو ۱۳۴۳ در ۱۵۰۰ برگ

**ایرانیان از
خاکریزه‌های
دست‌ساز در
فلات مرکزی
ایران همانند
پیام‌رسان‌های
امروزی برای
خبررسانی فوری
و انتقال اطلاعات
بهره می‌بردند**

نور شمع را ۵۰ کیلومتر فاصله دید. همچنین فلاندر در نقشی از استخر فارس همچنان آتشندان ارتباطی را در بالای صخره‌ای کشیده که درباره کاربردش در ادامه با ارائه اسناد دیگری شگفت‌زده خواهیم شد. کاربرد این آتشندان‌ها مانند آن کار ابتدایی در فیلم آریاب حلقه‌ها (یعنی همانند تک‌زنگ و یک علامت برای فقط یک خبر با برافروختن آتش ... و...) نیست، در ۱۱۵ سال پیش جهانگرد و نخستین دیپلمات رسمی (سفیر) آمریکا در دربار ناصری، ساموئل گرین ویلر بنجامین در سفرنامه‌اش از خاکریزهای دست‌ساز در فلات مرکزی ایران گزارش داده که در سراسر دشت‌ها با فاصله مشخص چند مایل با بلندای ۸۰ تا ۱۰۰ پا تا ۲۵ تا ۳۰ متر وجود داشته (بنا به گزارش این سفیر، در اطراف ورامین و مسیر شهری دیده می‌شده) که البته ایرانیان عادی از دلیل ساخت‌شان آگاهی ندارند؛ اما شماری از دانشمندان عقیده داشتند از این خاکریزها همانند پیام‌رسان‌های امروزی برای خبررسانی فوری و انتقال اطلاعات بهره می‌برده‌اند. به نوشته او خاکریزهای مصنوعی چنین وصف شده: از دیدنی‌های فلات مرکزی ایران که توجه هر مسافری را جلب می‌کند، این خاکریزهاست... تصور کنید اینها

ایجاد نخستین سامانه مخابره فوری اطلاعات در عصر هخامنشی، ساخت نخستین آمفی‌تئاتر جهان، اختراع الفبای ساده ۳۶ حرفی، ابداع کاغذ در دوران اشکانی، اختراع فناوری چاپ و تولید انبوه متن در دوران ساسانی و تولید فراوان کتاب و حفظ و اداره کتابخانه‌های چند صد ساله و نوآوری‌های شگفت‌انگیز دیگر، بخشی از اطلاعاتی است که به پاری بیزان پاک در این سلسله نوشتار با آنها باآشنایی شوید.

تغییر مسیر تمدن و تاریخ

باستان‌شناسان فلکان‌ترین خط شناخته شده در فلات ایران را یادگار ۲۲۰۰ سال پیش یعنی خط میخی عیلامی می‌دانند که خواندنش هم بسیار دشوار است. دانشنامه‌ها نخستین خط را به میان رودان و سومر نسبت می‌دهند که ایرانیان از آنها خط نوشتن را آموخته‌اند، اما شاید در آینده نزدیک درباره ریشه و پیدایش خط بازنگری شود. مهم‌ترین اتفاق خط درباره تاریخ خط را دکتر محسنیان راد، استاد ممتاز علوم ارتباطات همانا پیداشدن خط نگاره‌ای در جیرفت می‌شود؛ کتیبه‌ای که به هیچ خط شناخته‌شده دیگری شباهت ندارد «نشانگان»، ویژگی این کتیبه است که تصویری و هیروگلیفی نیست. سال ۸۲ این خط کشف شد اگرچه درباره این کشف فلان نمی‌توان قاطعانه بحث کرد اما سخن دکتر پیتمن، همکار باستان‌شناس سرشناس ایرانی دکتر یوسف مجیدزاده در این باره جالب است: «اگر در آینده باز هم بتوانیم نمونه‌ای از این خط مستقل را به دست بیاوریم، ممکن است مسیر تمدن و تاریخ آن را تغییر بدهد». دکتر کارلوفسکی، استاد دانشگاه هاروارد دیگر همکار این گروه پژوهنده، گفته ممکن است تمدن جیرفت [که بسیاری از اطلاعات و میراثش از سوی ساکنان امروزی آنجا با قاجاق آثار باستانی بر یادرفته] حتی از حوزه تمدن میان‌رودان هم کهن‌تر باشد. ممکن‌هایی که دور نیست با کشفیات تازه، تاریخ را دگرگون کند.

آتش و انتقال فوری اطلاعات

سال ۱۸۴۳ کمتر از دو سده پیش جهانگرد و نقاش فرانسوی اوژن فلاندر از بیستون نقشی زده که آتشندان ارتباطی (زیرا متفاوت با هر کاربرد شناخته شده دیگری از آتش است) در آن نقاشی دیده می‌شود. در شب‌های تاریک و صاف می‌توان

یادداشت محمدرضا پارسا | روزنامه‌نگار

راه حمایت از کتابخوان و ناشر

بی‌گمان مهم‌ترین موضوعی که در حال حاضر نسبت به کتاب و امر خواندن در کشور مطرح است، بحث «دسترسی به کتاب» است؛ موضوعی که در نمایشگاه کتاب نیز، سوژه محوری صحبت‌های مسئولان مهم کشور بود و هر بازدید و هر اظهار نظر، تصمیم‌گیران اصلی کشور توجهات را به آن جلب می‌کردند. این که امروز با توجه به مشکلات معیشتی و اقتصادی‌ای که مردم با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کنند، مشکل اصلی مردم برای کتاب خواندن، عدم توان دسترسی به کتاب‌هاست و همین امر سبب شده که سهم کتاب در سید خانوار به حداقل خود برسد. در چنین شرایطی سیاست‌گذاران و مسئولان فرهنگی با مسائل دیگری نظیر گرانی کاغذ نیز روبه‌رویند و همین مسأله دشواری امور را دوچندان می‌کند. اما راه برون‌رفت از وضعیت حاضر چیست؟ آیا باید پرونده کتاب و کتابخوانی را هم بست و مدعی شد تا زمانی که مشکلات اساسی اقتصادی مردم رفع نشده، دور و بر امور فرهنگی و مهم‌ترین وجه آن، کتاب را باید خط کشید؟! درست است که در پاراگراف اول، بیشتر به موانع و مشکلات در زمینه کتابخوانی اشاره کردیم اما باید دانست که اوضاع به این تاریکی هم نیست و هنوز روزنه‌های امیدی را می‌توان برای کتابخوان‌ها پیدا کرد.

در شرایطی که خرید کتاب، مخصوصاً کتاب‌های چاپ جدید، با این قیمت‌های سرسام‌آور برای همه اقشار جامعه ممکن نیست، ظرفیت مهمی در کشور وجود دارد که نباید از آن غافل شد و آن کتابخانه‌های عمومی است. ۳۸۰۰ باب کتابخانه‌ای که در حال حاضر در کشور مشغول خدمت‌رسانی به علاقه‌مندان به مطالعه است، با توجه به به‌روزرسانی مستمر و دسترسی آسان، امکان مناسبی است تا در شرایطی که کتاب خریدن دشوار شده، کتاب خواندن دشوار نباشد! در حال حاضر حق عضویت کتابخانه‌های عمومی از کتاب‌های چاپ قدیم بازار کتاب که در پستی کتابفروشی‌های می‌توان جست‌وجو کرد پدید می‌آید که کمتر است! تازه همین حق عضویت نیز در زمان‌های مختلفی از سال رایگان می‌شود.

اگر فکر می‌کنید در کتابخانه‌های عمومی فقط و فقط کتاب وجود دارد یا تعدادی علاقه‌مند که فقط می‌خوانند کتاب مورد نظرشان را به امانت گرفته و بخوانند، باید بگویم سخت در اشتباهید. دیگر گذشت دوره‌ای که کتابخانه‌ها فقط شامل تعدادی قفسه کتاب و چند کتابدار می‌شد. اگر همین امروز سری به کتابخانه عمومی محل زندگی‌تان بزنید، متوجه می‌شوید که امروز دیگر هر کتابخانه، در واقع یک مرکز فرهنگی با خدمات جذاب است که احتمالاً این خدمات را نمی‌توانید در محله‌تان، در جایی غیر از کتابخانه محله، پیدا کنید. حق عضویت اندکی که در کتابخانه‌های عمومی از مراجعان گرفته می‌شود و افزون بر آن به روز بودن منابع این کتابخانه‌ها سبب می‌شود که بسیاری از علاقه‌مندان کتاب بتوانند به‌سادگی تنها با مراجعه به کتابخانه عمومی محله‌شان و سر زدن به بخش تازه‌های کتاب، جدیدترین آثار مکتوب موجود در بازار کتاب کشور را تهیه کنند. از طرفی همان‌طور که مردم باید این ظرفیت را جدی گرفته و از آن حداکثر بهره را در شرایط خاص فعلی ببرند، دولت و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور نیز نباید از این پتانسیل ارزشمند غافل شوند.

در شرایط فعلی، تزریق بودجه به کتابخانه‌های عمومی و مساعدت همه‌جانبه برای تقویت منابع کتابخانه‌ها و خدمات آنها، یک فعالیت عام‌المنفعه سودآور است که از طریق آن می‌توان بحران کاغذ و مشکلات ناشی از آن را مدیریت کرد. این اتفاق، گذشته از آن‌که به کتابخوان‌ها مدد می‌رساند تا عطای کتاب را به لقایش نبخشند و همچنان کتابخوان باقی بمانند، حمایتی ارزنده و درخور از ناشران نیز به حساب می‌آید. کتابخانه‌های عمومی می‌توانند در این وضعیت دشوار، با حمایت دولت و به کمک تخصیص اعتباری برآزنده، با خرید کتاب از ناشر و تزریق آن به کتابخانه‌های مختلف حتی در نقاط دورافتاده کشور، هم بازوی حمایتی دولت از ناشران باشد و هم یاری‌رسان مردمی که احتمالاً کتاب‌های زیادی را در نمایشگاه کتاب اخیر نشان کرده‌اند که اگر روزی در بی‌تخته‌ای خورد و پوئل‌خوبی دست‌شان آمد، آنها را بخردند و بخوانند!